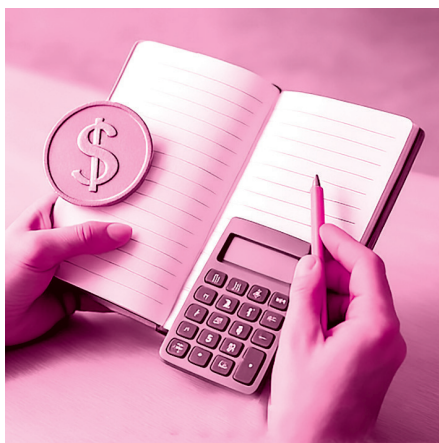


حسابداری، کشف یا اختراع؟

دکتر ناصر اقبالی‌فر



با توجه به وابستگی زیاد علم حسابداری به علم ریاضیات در ابتدا باید مختصری از تاریخچه کشف علم ریاضیات را بیان نموده و سپس راجع به کشف یا اختراع بودن علم حسابداری نظر بدهیم. اولین دانشمند معروف که او را می‌توان موجد علم فیزیک، نجوم و هندسه دانست، دانشمند یونانی طالس ملطلی است. بعد از او فیثاغورث که او نیز یونانی بود، اساس ریاضیات را تعیین کرد.



بعد از فیثاغورث، زنون، فیلسوف و ریاضیدان یونانی که اهل ایلیا بود را می‌توان نام برد. در قرن پنجم، بقراط با جمع‌آوری قضایای متفرق توانست پایه‌ای برای ریاضیات تعیین کند که اکنون همان قضایا، مبانی هندسه جدید ما را تشکیل می‌دهند. افلاطون یکی دیگر از دانشمندان موثر در تکامل ریاضیات است که برای تکمیل موضوع منطق که از ارکان اصلی ریاضیات است، تلاش می‌کرد و در آتن یک مکتب بنا کرد که بعد از ۹ قرن همچنان پا برجا مانده بود. وی ادوکس منجم و ریاضیدان عصر معاصر توانست حفره‌ای که در ریاضیات برای کمیته‌های اندازه‌نگرفتنی ایجاد شده بود را با تئوری نسبتها پر کند و نشان داد که برای این کمیته‌ها نیز می‌توان همانند سایر اعداد، قواعد حساب را به کاربرد. هیپارک یا ابرخس در قرن دوم تنها ریاضیدانی بود که با اختراع مثلثات، گامهای بسیار بزرگی در علم نجوم و ریاضیات برداشت. بطلمیوس نیز یکی دیگر از ریاضیدانان بود که راه هیپارک را ادامه داد و در تعقیب افکار او، تلاشهای بسیاری کرد. اگر بخواهیم به بررسی تاریخچه ریاضیات بپردازیم، می‌توان گفت تمامی اختراعات و کارهای

لوکا پاچیولی

ابتدا

مفاهیم اولیه‌ای

مثل

دارایی و بدهی و

سرمایه را

تعریف و فرض کرد

سپس رابطه

بین آن‌ها که همان

معادله اصلی

حسابداری

هست را اثبات نمود

مهم ریاضیات در قرن چهارم و توسط شاگردان افلاطون انجام شده‌اند. ریاضیات همان‌طور که گفتیم زیربنای تمام اختراعات بشر است و در همه جای جهان، حتی در زندگی روزمره ما انسانها نیز کاربرد دارد و کشف آن یکی از بزرگ‌ترین اکتشافهای بشر به حساب می‌آید.

و اما حسابداری همان‌طور که از عنوانش پیداست، در اصطلاح با حساب و کتاب سروکار دارد؛ یعنی از اعداد و ارقام برای رسیدن به جواب مسئله بهره می‌برد. وقتی پای اعداد و ارقام در میان باشد، قطعاً ردی از ریاضی هم در آن وجود دارد و از آنجایی که لوکا پاچیولی بنیانگذار علم حسابداری ریاضیدان بوده است، می‌توان گفت که علم حسابداری به‌طور دقیق با استفاده از تئوری نسبتها در ریاضیات بنا شده است. به‌عنوان نمونه، ما در مثلثات ابتدا مفاهیم اولیه و فرضی مثل $\sin$ و $\cos$ و $\tan$ و $\cot$ را در نظر گرفته و از طریق دایره مثلثاتی تعریف می‌کنیم؛ سپس با توجه به قضیه فیثاغورث، اثبات می‌کنیم که $\sin^2 + \cos^2 = 1$.

اثبات این قضیه مبتنی بر یک واقعیت بیرونی و خارج از ذهن هست که در واقع مطابق قوانین طبیعت وجود دارد ولی با پیش فرض قائم‌الزاویه بودن مثلث دایره مثلثاتی، توسط فیثاغورث کشف شده است.

حالا اگر این قضیه را در حسابداری به‌عنوان مراعات نظیر در نظر بگیریم، لوکا پاچیولی ابتدا مفاهیم اولیه‌ای مثل دارایی و بدهی و سرمایه را تعریف و فرض کرد، سپس رابطه بین آن‌ها که همان معادله اصلی حسابداری هست را اثبات نمود.

حالا سوال اینجاست آیا این مفاهیم اولیه در واقع در محیط بیرون مستقل از ذهن انسانی وجود دارند و یا مخلوق ذهن انسان هستند؟

آن چیزی که واقعیت دارد، این هست که مفهومی مثل دارایی در واقع مستقل از ذهن وجود دارد؛ برای مثال، املاک و یا... و تعریف دو جز دیگر یعنی بدهی و سرمایه هم به‌طور کامل وابسته به تعریف دارایی است ولی در طول زمان و با توجه به روابط قراردادهای اجتماعی انسانی، تغییر و تکامل پیدا کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علم حسابداری ترکیبی از کشف و اختراع بشر بوده است؛ بخشی منطبق بر واقعیت‌های موجود در جهان هستی و بیرون از ذهن، و بخشی هم ساخته ذهن بشری بوده است.



منبع:

- مصلحیان، محمد صالح، (۱۳۸۴) فلسفه ریاضی (کلاسیک، مدرن، پست مدرن)، انتشارات واژگان خرد چاپ اول.

- هندریکسون و ون بردا (۱۹۹۲)، تئوری حسابداری، تهران، انتشارات ترمه